

روایت ۴ فریده؛ ساخت تیروکمان و فریره برای ۵۰ تومان

می دادند.»

➤ سرمایه‌ای برای اجاره کارگاه ندارم

او با همسر و فرزندش در خانه مادرشوهرش زندگی می‌کند و به گفته خودش، از ابتدا خجالت می‌کشید که از شوهرش تقاضای پول کند و گاهی که کاری داشت یا وسیله‌ای می‌خواست، پول چندانی برایشان نمانده بود. به همین دلیل می‌خواست دستش هرچند کم، در جیب خودش باشد. «فضای خانه‌مان کوچک است و مدتی است که از نظر مکان برای توزیع و تحویل کارها به مشکل خورده‌ام. سرمایه چندانی ندارم که بتوانم جایی را اجاره کنم و هنوز زنان در خانه‌هایشان کارها را آماده می‌کنند. حالا به دلیل همین که فضا نداریم، با وانت برای ما کار می‌آورند، در صورتی که ما می‌توانیم به اندازه یک کامیون کار آماده کنیم.»

آن طور که فریده می‌گوید، اجرت این کار کم است، اما باز هم برای قشر ضعیف جامعه کمک خرج است. می‌گوید خیلی‌ها مستأجرند و باید کرایه خانه‌شان را جور کنند و بعضی دیگر می‌خواهند جهیزیه دخترشان را بخرند و از این طریق درآمدی دارند هرچند اندک. «هرکدام از کارها را دانه‌ای ۵۰ تک تومان می‌دهند، برای زنانی که کار می‌کنند هفته‌ای ۱۰۰ هزار تومان و ماهی ۴۰۰ هزار تومان درآمد دارد.»

فریده به دنبال کارهای خرد دیگری هم می‌گردد که درآمد بیشتری برای خودش و زنان دیگری که با او کار می‌کنند داشته باشد، اما به پیشنهادی رسیده است که زحمتش به اجرت آن نمی‌ارزد. «باید روی انگشترهای تیتانیوم، نگین می‌زدیم. کار ظریفی بود، چشم‌هایمان هم به مرور ضعیف می‌شد و تنها دانه‌ای ۳۵ هزار تومان به ما

شوهر فریده کار می‌کند، اما در وضعیت اقتصادی امروزه، حقوقش کفاف همه خرج زندگی را نمی‌دهد. فریده هم نمی‌توانست در خانه بیکار بماند. به همین دلیل، سبد عروس درست می‌کرد یا میوه‌آرایی انجام می‌داد. اما به گفته خودش، به دلیل گرانی‌ها دیگر این کار ادامه پیدا نکرد و از طرف دیگر، کرونا عروسی‌ها را هم تعطیل می‌کند و فریده این کار را کنار می‌گذارد. «پیگیر بودم کاری انجام بدهم. سرانجام چند ماه است این کار را پیدا کرده‌ام. تیروکمان و فریره درست می‌کنم. کم‌کم خانم‌های دیگر هم که بیکار بودند، از من خواستند به آن‌ها کار بدهم. کارها را به خانم‌ها می‌فرستند و بعد آن‌ها را میان زنان محله توزیع می‌کنند. تقریباً جمع‌مان به ۲۰ نفر رسیده است و روزی هفت هشت هزار کار را درست می‌کنیم.»

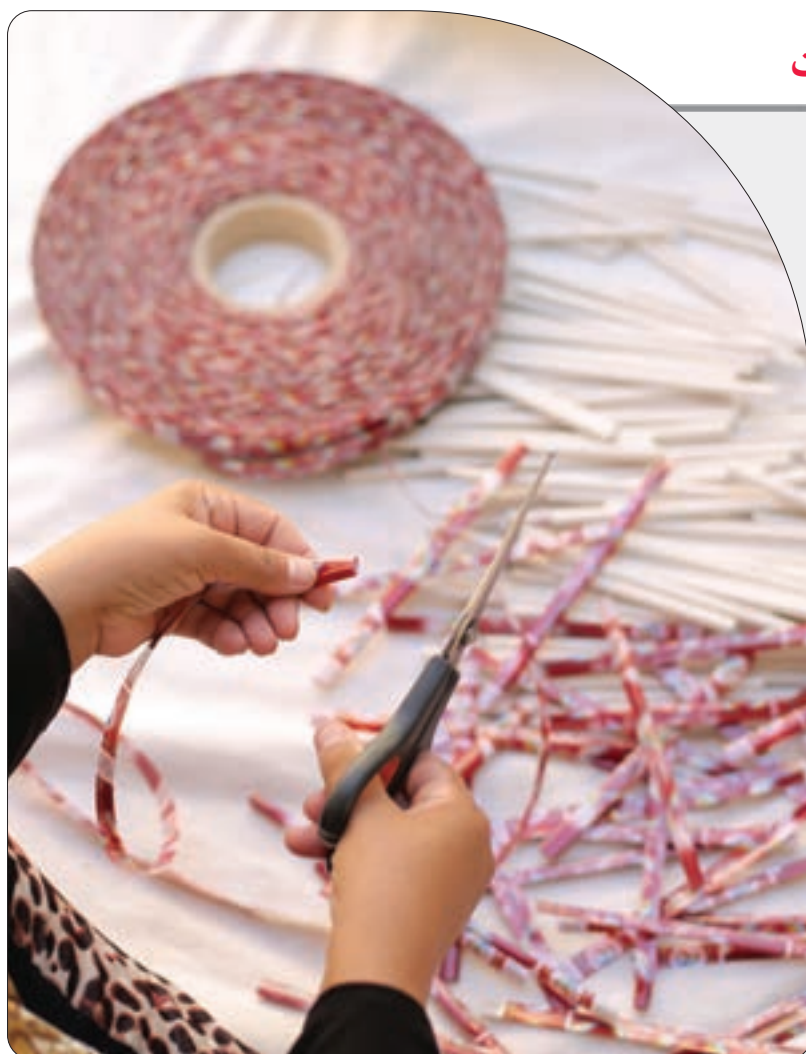


شهربانو

شنبه
۱۱ مرداد ۱۴۰۰
۲۲ دی‌ال‌هجه ۱۴۴۲ شماره ۲۲۲۷

(۶)

روایت ۵ ناهید؛ از دوخت دم‌کنی تا تهیه جامدادی از ضایعات



خانه هم باشم، اما به آن اندازه فروش ندارم. ضمن اینکه در صورت فروش، درآمد چندانی هم ندارم. به دلیل اینکه کارم کم است، پارچه و وسایلی را که لازم دارم کلی نمی‌خرم. به همین دلیل چندان برایم صرف نمی‌کند. برای نمونه، پارچه را ۷۰ هزار تومان می‌خرم و شاید ۲۰ هزار تومان از فروش کارهایم سود کنم. او همان ۱۰ سال پیش که این کار را شروع کرد، تمایلی به ادامه نداشت، اما حالا معتقد است عیبی ندارد که آدم در خانه هرچند کم کار کند و درآمدی هم داشته باشد. ضمن اینکه تأمین تقریباً همه مخارج با همسر ناهید است، اما او بیکاری را دوست ندارد. «کاور نان و سبزی تا چند وقت پیش خیلی خواهان داشت، اما با وجود گرانی، من هم مجبور شدم آن را گران‌تر بفروشم و دیگر خیلی از آن نمی‌خرند. کاور مبل بازار کار خوبی دارد، اما باید از گلبهار به مشهد بروم و این رفت‌وآمد برایم سخت است. با اینکه این کار زحمت دارد و فروشم محدود است، همین که بی‌هدف نیستم برایم کافیت.»

این زنان نجیب‌تر و آبرومندتر از آن هستند که دستشان را پیش کسی دراز کنند. روی پای خود ایستاده‌اند و می‌دانند این موضوع بهای سنگینی برایشان دارد، اما دست کم مسئولانی که می‌توانند کاری کنند رنج نبود کاری مناسب روح این زنان را کمتر بیازارد، دریغ نکنند.

ناهید از دم‌کنی گرفته تا کیف نان، کیف سبزی، و کاور مبل و لوازم برقی می‌دوزد. جوانه گندم و ماش درست می‌کند، با ضایعات قوطی‌های رب، جامدادی و از نمد، عروسک درست می‌کند. اوزن هنرمندی است که کارش در زمره مشاغل خرد زنان قرار می‌گیرد زیرا درآمد و فروش چندانی ندارد. «زمانی مربی مهد بودم. خیلی هم به این شغل علاقه داشتم. مدرک مربیگری هم گرفتم، اما همسرم با اینکه من شاغل باشم موافق نبود. به همین دلیل، دنبال کاری بودم که بتوانم در خانه انجام بدهم. برای هیچ کدام از این کارها هم کلاس نرفتم و در اینترنت دیده‌ام و مطلب خوانده‌ام و با آزمون و خطا آن‌ها را درست کردم.»

۱۰ سالی می‌شود که ناهید این کارهای هنری را درست می‌کند و در خانه‌اش نگه می‌دارد تا روزی بتواند آن‌ها را بفروشد. اهل بساط در گوشه و کنار خیابان یا مترو نیست. هنوز صفحه‌ای هم در فضای مجازی با این هدف به راه نینداخته است و تنها فروش او در جلسات دوره قرآن زنان یا مهمانی‌هایی است که دوست و آشنا برگزار می‌کنند. «شوهرم در یک شرکت کار می‌کرد، اما حالا ۴ سالی می‌شود که دیگر در آنجا فعالیت ندارد و با ماشین کار می‌کند. درآمدش به نسبت وقتی که در شرکت کار می‌کرد بالا و پایین دارد. خانه‌مان هم مسکن مهر است و باید هر ماه قسط آن را واریز کنیم. می‌خواستم کمک‌خرج

